

ادیان و مذاهب در کشور میانمار

<?xml encoding="UTF-8?">

سرزمین طلایی

جمهوری سوسیالیستی متحده برمه (میانمار)، با 676552 کیلومتر مربع وسعت، در منطقه جنوب شرق آسیا واقع است. این کشور از مشرق با هندوستان و بنگلادش و از جنوب غربی با جمهوری خلق چین هم مرز و نیز دارای ساحلی طولانی در خلیج بنگال و دریای آندمان است.1

برمه در عرض جغرافیایی 10 تا 28 درجه شمالی و طول جغرافیایی 19 تا 101 درجه شرقی قرار دارد. طول خاک آن از شمال به طرف جنوب 1290 کیلومتر و عرض آن از شرق به غرب در پهنترین قسمتها 805 کیلومتر است. این کشور حدود 5600 کیلومتر خاکی و 1930 کیلومتر ساحل دریایی دارد. طولانی ترین مرز برمه 2195 کیلومتر با جمهوری خلق چین است. برمه با کشور تایلند 1799 کیلومتر، با هندوستان 1487 کیلومتر و با بنگلادش 70 کیلومتر مرز مشترک دارد و همچنین در مشرق با لائوس هم مرز است.

جمعیت

براساس آخرین آمار و سرشماری، جمعیت میانمار 55 میلیون برآورد گردیده است.2

اقوام و نژادها

اکثر مردم این کشور از نژاد برمه ای اند، لکن اقوام و نژادهای مختلف دیگر نیز در این کشور زندگی می کنند. در این کشور از چهارده قوم آثار تمدن به جا مانده است. علاوه بر این، مردمانی از نژادهای تبتی، هندی و تایلندی نیز به این کشور مهاجرت کرده اند و در آن زندگی می کنند.

قبل از استقلال کشورهای شبه قاره هند، تعداد فراوانی از اتباع هندی و بنگالی به برمه مهاجرت نمودند. تعدادی ایرانی نیز از یک قرن و نیم پیش در برمه زندگی می کردند که اکنون تنها اندکی از اعقاب آنان باقی مانده اند.3

سوابق تاریخی برمه

برمه کشوری باستانی است. نخستین سکنه این سرزمین، در سالهای اولیه مسیحیت در برمه اقامت گزیدند. اعقاب برمه ای های فعلی در قرنهای یازدهم تا سیزدهم میلادی، پادشاهی پاگان را بنیانگذاری کردند.4مهم ترین آثار و نشانه های اولیه تمدن و فرهنگ در این سرزمین، مربوط به همان دوران است.

برمه ایها در این دوران از نظر کشاورزی، سیستمهای آبیاری و معماری بسیار پیشرفته بودند. هنوز هم ویرانه های بسیاری از معابد بودایی پادشاهان پاگان در گوشه و کنار این سرزمین دیده می شود که بعضی از آنها نظیر معبد آناندا پاگودا از شاهکارهای معماری جهان محسوب می شود.

دامنه جنگ و سلطه انگلستان بر کشور هند که از سالهای 1824 تا 1885م ادامه داشت، کشور برمه را نیز در برگرفت که به طور کلی سبب نابودی رژیم امپراتوری شد و برمه به عنوان قسمتی از شبه قاره هند، جزو مستعمرات انگلستان قرار گرفت.

زبان و خط

مردم برمه بیش از یک صد نوع گویش مختلف دارند، اما زبان رسمی آنان بودایی است.⁵ رسم الخط زبان برمه ای سابقه ای کاملاً متفاوت دارد. این رسم الخط، از زبان پالی در جنوب هندوستان گرفته شده و شباهتهای بسیاری با کتابت «تلوگو» دارد. زبان انگلیسی هم به طور گسترده ای در این کشور به کار می رود که مربوط به دوران سلطه انگلیس است.

ادیان و مذاهب

در برمه بودیسم دین رسمی کشور است، ولی پیروان سایر مذاهب و ادیان نیز در اجرای مراسم مذهبی خود آزادند. 685 درصد مردم برمه بودایی، هفت درصد مسلمان، چهار درصد هندو و دو درصد مسیحی اند.⁷ دو درصد باقی مانده را نیز آیینهای بودایی چینی، تائوئیستی، کنفوسیوسی و نیاکان پرستی تشکیل می دهند. کثرت پیروان بودایی را در همه جای این کشور می توان به خوبی مشاهده نمود، زیرا تقریباً هر روستا و دهکده ای لاقلاً تأمین هزینه یک مدرسه مذهبی را به عهده دارد. پاکوداها، یعنی معابد بودایی در سراسر برمه علیا و سفلا به چشم می خورد. راهبان بودایی که «پونچی» نام دارند، همه جا در بین مردم دیده می شوند.⁸

بودیسم

هر چند بوداییان برمه پیرو آیین بودا هستند، از آیین خالص بودایی پیروی نمی کنند. زیرا قبل از ورود آیین بودا به برمه، مردمان این سرزمین به نوعی عقاید بومی که بر استغفار و شفاعت طلبی و ادای قربانی برای ارواح (تاتها) تمرکز یافته بود، ایمان داشتند و اعتقادات فوق هنوز هم در بسیاری از قبایل کوهستانی رواج دارد. در بودیسم مفهومی به نام احترام به بودا وجود دارد. بوداییان این وظیفه را با رفتن مقابل مجسمه بودا یا درخت بودا یا محلی گنبد مانند در معابد که خاکستر مردگان در آن دفن می شود یا پاکودا انجام می دهند. آنان در مقابل آن مجسمه بودا، حال عبادت و دعا به خود می گیرند. بوداییان دائماً هشدار می دهند که عبادت این اشیا مورد نظر نیست.⁹

احترام به مجسمه بودا، تنها تلاش برای یادآوری عظمت و آموزه های صاحب مجسمه است. بوداییان با احترام به مجسمه چیزی از او نمی خواهند، فقط به او احترام می گذارند و از او تشکر می کنند که راه حقیقت را کشف کرده و به آنها نشان داده است. به نظر بوداییان در این شیوه، احترام گذاشتن احترام گذارنده است که سود حاصل می کند، افکار و گفتار او با اندیشیدن به بودا پاکیزه می شود و قدرت معنوی برای گام نهادن به راه بودا را پیدا می کند. این کار همانند احترام به بنای یادبود کشتگان جنگ است. به عقیده بوداییان افرادی که در زمینه فکری و روحی به پیشرفت رسیده اند، ممکن است جهت تمرکز دیگر نیازی به مجسمه نداشته باشند، اما این کار برای کسانی که فکر خود را توسعه و رشد نداده اند، ضروری است.

اهدای گل

در کشور میانمار و نیز سایر کشورهای بودیستی، بوداییان پیرو جوان و حتی کودک، به مجسمه بودا یا به اماکن مقدس بودایی گل هدیه می کنند یا چراغی در آنجا روشن می نمایند یا عود می سوزانند. کودکان از اینکه گلها را بچینند و دسته دسته کنند تا برای هدیه به بودا آماده شود، لذت می برند. آنها در این برنامه ضمن آشنایی با

مفهوم زیبایی، یاد می گیرند بخشنده باشند، تحرک داشته باشند و بالاتر از همه به بودا و گوداما و سانگا احترام بگذارند. آنها بعد از اهدای گل به مجسمه بودا، با ظرف کوچکی چندبار به سر مجسمه آب می ریزند.

ازدواج در بودیسم

آنچه به عنوان مراسم ازدواج در سایر ادیان وجود دارد و روحانیان نقش ویژه ای در آن دارند، در بودیسم دیده نمی شود. مانکهای بودایی برخلاف کشیشهای مسیحی در مراسم عروسی شرکت نمی کنند و برای متبرک شدن جشن، نیازی به وجود آنها نیست.

در بعضی مراسم ازدواج، دسته ای از دختران که لباس سنتی سفید بر تن دارند، با هم آیتای مقدس را به زبان پالی قرائت می کنند که «جایامانگالاگاتا» نام دارد و برترین فضایل بودا را برمی شمارد. گاهی در مراسم ازدواج خطبه سنگالا نیز برای زوج جوان قرائت می شود که بیان وظایف زن و شوهر درباره یکدیگر از دیدگاه بوداست.

آداب اموات

برای بوداییان تشییع جنازه مانند مراسم ازدواج ساده و آسان است. اگر یک بودایی از دنیا برود، خویشاوندان نزدیک وی تعدادی مانک را به خانه نو گذشته یا به قبرستان دعوت می کنند تا مراسم را اجرا کنند. مانکها ابتدا تعویذات سه گانه و سپس مفاهیم پنج گانه را قرائت می کنند. سپس فرزندان یا خویشاوندان نزدیک متوفا، لباسهای سفید به مانکها هدیه می کنند که ثواب این کار به درگذشته هدیه می شود. بوداییها مرده را سه روز نگهداری می کنند.

خاکسپاری یا سوزاندن

در تمدن بودیستی فقط در یک مورد در خصوص تعیین تکلیف برای اجساد مردگان اظهار نظر شده و آن هم خطبه مرگ بودا به نام «ماها پارینی» است. در آن خطبه آمده است که آناندا از بودای در حال مرگ پرسید: تکلیف ما در قبال جسد انسان کامل که همان بودا باشد، چیست؟ بودا جواب داد که او را همانند شاه بزرگ (کاکاواتی راجا) بسوزانند. غیر از این جمله، در متون بودیستی چیزی در خصوص اجساد ذکر نشده است. امروز نیز بوداییان می توانند مردگان را بسوزانند یا به خاک بسپارند.

در صورت سوزاندن جسد، بعضی خاکسترهای باقی مانده را در یک ظرف نگهداری می کنند یا در ستونی که به یادبود مرده بنا شده قرار می دهند. محل خاکستر بودا و بعضی از مقدسان به صورت زیارتگاه درآمده است. بوداییان معتقدند مشاهده چنین اماکنی به انسان آرامش و اطمینان می دهد و یاد و خاطره آن بزرگان، او را برای پیمودن راه آنها تشویق می کند. این معنا در خطبه مرگ بودا نیز آمده است.

نثار ثواب به درگذشتگان

بوداییان معتقدند که انسان بعد از مرگ دوباره زنده می شود و این مردن و زنده شدن همیشه ادامه می یابد، مگر آنکه کسی به نیروانا برسد که دیگر از چرخه رنج آور مرگ و زندگی نجات می یابد. آنها معتقدند که زنده ها می توانند با نثار ثواب به مرده شادمانی ببخشند. ثواب در بودیسم «پونا» نام دارد.

امروزه هنگام ادای جمله انتقال ثواب به مردگان، آب را از کوزه ای پر به ظرفی دیگر می ریزند تا پر شود، اما این در

متون بودایی ریشه ندارد. در کشورهای بودایی صدقه به مانکها یک وظیفه دینی است. آنان پس از دریافت صدقه برای مردگان دعا می کنند. بوداییان زمان خاصی برای ارسال ثواب به مردگان ندارند، اما به صورت سنتی برنامه منظمی برای آن ایجاد شده است. روزهای سوم، هفتم، آخر ماه سوم و سالگرد مرگ، زمانهایی است که به یاد گذشتگان می افتند.

همچنین بوداییان به وجود جن و پری اعتقاد دارند و برای آنها قدرتی محدود قائل اند و معتقدند که آنها می توانند انسانها را در رسیدن به نیروانا کمک کنند. بوداییها جن و پری را نیز در ثواب کارهای خود شریک می کنند.

روحانیت بودیسم

پیروان بودا چهار دسته اند: روحانیان مرد، روحانیان زن به نام «یامن» و «مای تیلا»، و مردان و زنان عادی.¹⁰ کسی که وارد مسلک روحانیت می شود باید لباس مانکی بپوشد، موی سر و صورت بتراشد و لباس نارنجی روی شانه چپ قرار دهد و همزمان به مانکی که مجری برنامه است، با زانو زدن و خم شدن - در حالی که کف دستها را روی هم گذاشته و بلند کرده - احترام بگذارد و متون بودایی را به زبان پالی قرائت کند.

مانکها عموماً با تراشیدن موهای سر و ابرو، پارچه ای نارنجی رنگ به تن می کنند و هر روز صبح زود با حضور در معابد، مورد احترام مردم قرار می گیرند و نذرهای آنها را که بیشتر برنج و مواد غذایی است دریافت می دارند. روحانیان زن هم صبح زود بعد از قرائت تعریف بودا در معابد خود، برای گرفتن نذرهای مردم دست جمعی به صف می ایستند و هدایا را دریافت می دارند. روحانیان بودایی نمی توانند ازدواج کنند.

بزرگ ترین معابد در برمه در پایتخت (رنگون) است و Shuda gon نام دارد و هر روز مورد بازدید هزاران نفر از سراسر جهان قرار می گیرد. روحانیان بودا ارتباط خوبی با مردم و حکومت دارند. حکومت هم پیشنهادهایی را از روحانیان معروف بودایی می گیرد و به آنها عمل می کند. بوداییان در یکی از ماههای سال روزه می گیرند و مراسم خاصی انجام می دهند. البته فصلهای عبادی دیگر هم وجود دارند که در آن ماهها روحانیان تبلیغ خاصی می کنند و مردم را به عمل فرا می خوانند.

جشنواره

در کشور برمه مردم بودایی جشنهای مختلف برگزار می کنند، اما بزرگ ترین و مشهورترین جشنواره های میانمار در ماه آوریل است.¹¹ در این ماه که هوا بسیار گرم است، در مدت پنج روز جشن، هر کسی سعی می کند ظرفی آب به سوی دیگری بپاشد و در بعضی از موارد افراد با اجازه مخاطب آب را به روی او می پاشند. خلاصه در این ایام هر کس به خیابان برود، بدون استئنا خیس خواهد شد. برخی نیز با پودر سفید رنگ صورت یکدیگر را سفید می کنند.

آداب و رسوم

میانماریهها به یکدیگر احترام می کنند و حتی اگر غریبه و ناآشنا باشند، هنگام ملاقات با یکدیگر لبخند می زنند. اگر کسی کمک بخواهد، مردم به او کمک می کنند. همچنین مردم برای سالخوردگان احترام خاصی قائل اند و هنگام دعا کردن، برای پدر و مادر، استاد و همه مردم در سراسر جهان، و حتی برای حیوانات و درختان نیز دعا می کنند. در برمه مردم قبل از خواب به پدر و مادر خود تعظیم می کنند و پدر و مادر نیز برای آنها دعا می خوانند.

مذاهب اسلامی برمه

مسلمانان در برمه فرقه های گوناگون دارند. گروههای شافعی، حنفی، مالکی، حنبلی، چولیامسلم، بودامسلم، اصل حدیث، قادیانی، سوفیست، طریقه، گرانه، بنگالی مسلم، سورطی مسلم و وهابیت از آن جمله اند.

تاریخ نویسان اشاره هایی به حضور مسلمانان در برمه نموده اند که خود پیشینه شگفت انگیزی از گسترش دین مبین اسلام در نواحی آسیای جنوب شرقی به دست می دهد. تاریخ گسترش اسلام در برمه به قرن اول هجری برمی گردد. اعراب و ایرانیانی که قرنهای قبل از ظهور اسلام، به سفرهای تجاری تا آسیای جنوب شرقی و سواحل شرقی چین دست می زدند، بعدها از طریق سواحل برمه راه کوتاه تری برای خرید کالاهای خود یافتند. به این طریق، آنان به سواحل و داخل کشور برمه رفت و آمد کردند. بعد از ظهور اسلام و گرایش اعراب و ایرانیان به آیین محمدی (ص)، دریانوردان عرب و ایرانی مسافرتها دریایی خود را به همین طریق ادامه می دادند و در مسیر خود احیاناً دست به تبلیغ و دعوت مردم به اسلام می زدند. از سنن، اقوال، متن، سالنامه ها، تاریخچه ها و کتب تاریخی برمی آید که تقریباً از همان سالهای اولیه قرن اول هجری، بسیاری از اولیا و مبلغان مسلمان به ترویج دین جدید در سواحل مختلف آسیا مشغول بودند.

با گسترش ممالک اسلامی در هند و ترویج اسلام در بنگال و تبدیل آن منطقه به سلطان نشین اسلامی، منطقه عربی برمه؛ یعنی ایالت آرکان، تحت نفوذ مسلمانان بنگال و هند قرار گرفت. بعضی از منابع تاریخی حکایت از آن دارد که در سال 1531 میلادی (608 هجری) پادشاه وقت ایران یک هیأت سه نفره مذهبی را به آرکان اعزام داشت که به ساختن مساجد و تبلیغ اسلام همت گماشتند و عده ای از علمای آرکان را جهت سفر به ایران دعوت کردند. زبان فارسی که زبان رایج اهالی غرب برمه بود، در زبان برمه ای نیز تأثیر گذاشت.

در دوران معاصر، دولت برمه از 1959م به آیین بودایی ارج و بهای رسمی داد و در 1961م با تصویب قانونی آیین مزبور را به صورت دین رسمی برمه درآورد. دولت ژنرال نوین پس از سرکار آمدن در 1962م رفتن مسلمانان به حج را ممنوع اعلام کرد تا آنکه در 1980م و پس از گذشت هجده سال، به هفتاد نفر از مسلمانان اجازه داده شد جهت انجام فرایض حج به مکه مشرف شوند و متعاقب آن عده ای از مسلمانان نیز جهت شرکت در کنفرانسهای مختلف اسلامی اعزام شدند.

اما متأسفانه فشارهایی که بر مسلمانان وارد می آمده، موجب آواره شدن آنها در کشورهای مختلف شده است. گفته می شود بیش از نیم میلیون از مسلمانان برمه ای به کشورهای بنگلادش، هند، پاکستان، مالزی، تایلند، سنگاپور، امارات متحده عربی و ممالک دیگر مهاجرت نموده اند و هزار مسلمان برمه ای نیز در عربستان سعودی سکونت گزیده اند. دولت برمه کنترل شدیدی بر فعالیتهای مساجد اعمال می کند و حتی آمار ازدواج و تمایل مردم جهت انجام قربانی گوسفند در مراسم عید قربان و نیز آمار افرادی که در مساجد به آموختن قرآن کریم مشغول می شوند، به دولت گزارش داده می شود.

بیشتر مسلمانان برمه سنی و بیشتر اینان نیز حنفی اند. این مسلمانان مساجد، مدارس و پایگاههای مستقلی برای گروه خود دارند، ولی در عین حال متحد نیستند. گروه وهابیت نیز در برمه فعالیتهای بسیار می کند. وهابیان با نوشتن کتابها و انجام دادن سخنرانیها در همه شهرهای برمه فعالیت دارند، تبلیغ می کنند، هر ماه جوانان را گرد می آورند و هر هفته هم در مساجد مختلف جلسه برگزار می کنند. بیشتر وهابیان ثروتمندند و به بازسازی مسجد، مدرسه، کمک به تهیدستان و کارهای هنری و فنی می پردازند. نکته این است که وهابیان حافظان قرآن بسیار را می پرورند و برای آن مدرسه های جداگانه در شهرهای مختلف دارند.

فرقه های مسلمانان

برای هر چه روشن تر شدن سیمای مسلمانان در برمه، اکنون بعضی از گروههای مسلمان این کشور را معرفی می کنیم.

1. چولیامسلم

چولیامسلم یکی از این گروههاست. اجداد این گروه سالها پیش هندو مذهب بوده اند و بعداً به اسلام گرویده اند. اکنون نیز زبان اصلی این گروه هندوست. چولیامسلم با وهابیت اختلاف دارند، چون پنج تن اهل بیت (ع) را قبول دارند، گاه به نام پنج تن فاتحه خوانی می کنند، ایام محرم اعمال خاصی دارند و احترام ویژه ای برای اهل بیت رسول (ص) قائل اند.

2. بودامسلم

در کشور میانمار کسانی که تا امام ششم را پذیرفته اند، بودامسلم نامیده می شوند. این گروه فعالیت چندانی ندارند و فقط در پایتخت سه مسجد متعلق به آنان است. شمار اینان نیز بیش از دو هزار تن نیست. بعضی از آنها در مراسم شیعه شرکت می کنند و تولد امام صادق (ع) را جشن می گیرند.

3. اهل حدیث

این گروه نیز با وهابیت متفاوت و مخالف اند. اینان همه احادیث را حجت می دانند، به زبان عربی بسیار مسلط اند و آموختن عربی را واجب می دانند. شمار اهل حدیث بیش از سه هزار نفر است و در پایتخت فقط سه مسجد به نام اهل حدیث وجود دارد.

4. قادیانی

مسلمانان این گروه را کافر می دانند، اما آنها خود را مسلمان می شمارند. اینان به خدا و رسول معتقدند، اما پیامبر را آخرین پیامبر نمی دانند. اهل این گروه به کسی به نام احمد طهور معتقدند و احمد را کسی غیر از پیامبر اکرم (ص) می دانند. گروه قادیانی در برمه انگشت شمارند و در پایتخت شهر بیش از دو مسجد ندارند.

5. سوفیست، طریقه، گرانه

این گروهها مانند هم اند و هر سه پیرو اولیا و پیران اند. دو گروه سوفیست و طریقه پیرو شیخ عبدالقادر جیلانی اند. گروه گرانه سلسله اولیا را تا امام علی (ع) می رساند. البته اینان به آل محمد (ص) معتقدند، در شعرهای خود فضایل اهل بیت (ع) را می سرایند و با وهابیت سخت مخالف اند. شمار پیروان این گروهها به بیش از پنج هزار تن می رسد.

6. بنگالی مسلم و سورطی مسلم

این دو گروه مهاجرند، به زبان خود حرف زنند و مساجدی هم برای خود دارند. بیشتر اینان پیرو شافعی اند و البته با وهابیت نیز موافق اند. گروه سورطی نیز زبان مادری جداگانه دارند و پیرو مذاهب چهارگانه اند. می توان گفت که این گروه با وهابیت تفاوتی ندارند.

شیعه در برمه

شیعیان در برمه از نسل ایرانیان یا هندیان اند. ایرانیان در گذشته از شهرهای شیراز، کاشان، بهبهان و یزد به برمه مهاجرت نموده اند و بیشتر هندیان نیز که بعد از جنگ جهانی دوم به میانمار مهاجرت کرده اند از شهر «نگر» هستند. شیعیان برمه بیش از سی هزار نفر نیستند و البته نسبت به گذشته افزایش یافته اند. 12

شیعیان یک مسجد بزرگ ساخت ایرانی و یک مسجد کوچک ساخت هندی دارند. در شصت سال اخیر، کسانی از ایران و هند برای تبلیغ در ماههای رمضان، محرم و صفر به این دو مسجد آمده اند و در آن به اقامه نماز جماعت و سخنرانی پرداخته اند و نیز نماز جمعه خوانده اند. از سال 1995 میلادی نماینده ای از سوی ولایت فقیه به برمه اعزام شد و همین مایه نشاط و فعالیتهای دینی شیعیان این کشور بوده است.

شیعیان در کل سال برنامه های دینی و مذهبی خاصی دارند و در تولد و شهادت معصومان (ع) مراسم ویژه ای برگزار می کنند. در ماه رمضان برنامه قرآن خوانی و در ماه محرم و صفر مراسم عزاداری نیز با شکوه خاصی برگزار می شود. گفتنی است که سایر مذاهب برمه هم به شیعیان این کشور با نظری مثبت می نگرند.

هندو در برمه

اصل دین هندو با دین رسمی بودایی برمه چندان فرقی ندارد، اما این دو در بعضی از اعتقادات و فرهنگها با یکدیگر متفاوت اند. هندوها هم در اصل از هندوستان به برمه مهاجرت کرده اند و پوشش، زبان محلی، مراسم ازدواج و آیینهای ویژه ای دارند.

اصول دین هندو عبارت از اعتقاد و احترام به کتابهای باستانی و سنتهای دینی برهمنان و پرستش خدایان دوران قدیم است. اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج، همچنین احترام به موجودات زنده، مخصوصاً گاو، از اصول آن دین است. هندویان در دین خود ثابت اند، اما آن را تبلیغ نمی کنند. 13

مسیحیت در برمه

دو درصد جمعیت مسیحی برمه در شهرهای مختلف پراکنده اند. البته کلیساهای بسیاری در پایتخت شهر دیده می شوند و مسیحیان در آنها به کارهای علمی می پردازند و در بعضی اوقات مراسم عبادی، مراسم ازدواج و جشن برگزار می کنند. بیشتر مسیحیان برمه کاتولیک اند. کلیسای آگوستین، کلیسای صلیب مقدس، کلیسای متودیست، کلیسای امانوئل و کلیسای ارامنه، مهم ترین پایگاههای مسیحیان برمه به شمار می آیند. 14

یهودیت در برمه

پیروان دین یهود در برمه اندک اند و در پایتخت سکونت دارند. 15 مراسم عبادی و فرهنگی یهودیان در این کشور شوری ندارد و محل برگزاری آیینهای آنان، منحصر به معبدی کوچک در پایتخت است.

جایگاه ادیان و مذاهب در حکومت

پنجاه سال پیش، ادیان و مذاهب برمه ارتباطی وثیق با حکومت داشتند، اما امروزه تنها مذهب بودایی در حکومت ایفای نقش می کند. اکنون حتی سربازان هم فقط از مذهب بودایی پذیرفته می شوند و پیروان مذاهب دیگر حق ندارند وارد ارتش شوند. با این حال، اکنون حکومت با ادیان رابطه ای مسالمت آمیز دارد و هر مذهب و مسلک می تواند اعمال خاص خود را آزادانه انجام دهد.

1. مفضلې، فصل دوم، ص 9.

2. www.myanmar.com

3. مفضلې، ص 9.

4. همان، فصل سوم، ص 14.

5. همان.

6. همان، ص 25.

7. همان.

8. همان، فصل چهارم (اديان و مذاهب)، ص 25.

9. همان، ص 26.

10. www.myanmar.org.uk

11. www.myanmar.com

12. همان، ص 30.

13. حسين توفيقى، ص 32.

14. مفضلې، ص 39.

15. همان، ص 39.

منابع

1. مفضلې، حسين، ميانمار (برمه)، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، 1373.

2. ع، پاشايى، كتاب بودا، انتشارات فيروزه، تهران، چاپ هفتم، 1378.

3. توفيقى، حسين، آشنايى با اديان بزرگ، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاه ها (سمت)،

مؤسسه فرهنگى طه و مركز جهانى علوم اسلامى، چاپ پنجم، 1381.

4. www.myanmar.com

5. www.myanmar.org.uk

* دانش پژوه مقطع کارشناسی ارشد مدرسه عالی امام خمینی (ره)، رشته علوم قرآن و حدیث از کشور میانمار.